مجلّه‌ی جغرافیا و توسعه‌ی ناحیه‌ای، شماره‌ی شانزدهم، بهار و تابستان ۱۳۹۰

نقش رودهای مرزی در همکاری و همگرایی منطقه‌ای

"نمونه‌ی موردی: هریرود و سد دوستی"

سید هادی زرقانی (استاد یار جغرافیای سیاسی دانشگاه فردوسی مشهد، نویسنده‌ی مسؤول)
h-zarghani@um.ac. ir
امین لطفی (دانشجوی کارشناسی ارشد جغرافیای سیاسی دانشگاه فردوسی مشهد)

چکیده

رودهای بین المللی، به راههای آبی گفته می شوند که از مرز بین دو یا چند کشور عبور کرده و نوار مرزی کشورها را مشخص می‌سازند یا رودهایی که در طول مسیر خود از قلمرو چند کشورعبور می‌کنند. تعداد دویست و شصت و یک رودخانه‌ی بین المللی در دنیا وجود دارد که بین دو یا چند کشور مشترک‌اند. اساساً وجود منابع آبی مشترک در مناطق مرزی به عنوان یک منبع اقتصادی، عامل مهمی در اختلافات مرزی کشورها به حساب می‌آید. نوع بر هم کنش میان دولت ها در بهره برداری از منابع آبی مشترک، طیف گسترده‌ای از سازگاری و همکاری کامل تا ناسازگاری و جنگ را در بر می‌گیرد. نزاع اردن و سوریه بر سر رودخانه‌ی یرموک، اختلاف بولیوی و شیلی بر سر رود لوکا، منازعه‌ی هند و پاکستان بر سر رود ایندوس، نمونه هایی از تأثیرمنفی آب بر ایجاد روابط غیردوستانه و پر تنش بین کشورهاست. اما، در برخی مناطق جهان منابع آبی مشترک، نظیر رودها، به عنوان عامل پیوند دهنده‌ی ملّت ها و دولت ها عمل نموده است. به گونه‌ای که کشورهای ذی نفع به جای درگیری و منازعه، که مانع جدّی هر نوع توسعه به شمار می‌رود، مسیر همکاری و همگرایی را در پیش گرفته و با مدیریت بهینه بر منابع آبی مشترک، گام های مهمی را در توسعه‌ی منطقه بر داشته اند. تصمیم دو کشور ایران و ترکمنستان در احداث سد دوستی روی رودخانه‌ی مرزی هریرود و تدوین نظام حقوقی بهره برداری مشترک، یکی از نمونه‌های خوب نقش مثبت منابع آبی در همکاری و همگرایی منطقه ای است. پژوهش حاضر به صورت اسنادی و با شیوه‌ی توصیفی- تحلیلی نقش و تأثیر دوگانه‌ی

تاریخ دریافت: ۱۳۸۹/۸/۱۶ تاریخ تصویب:۱۳۹۰/۴/۱

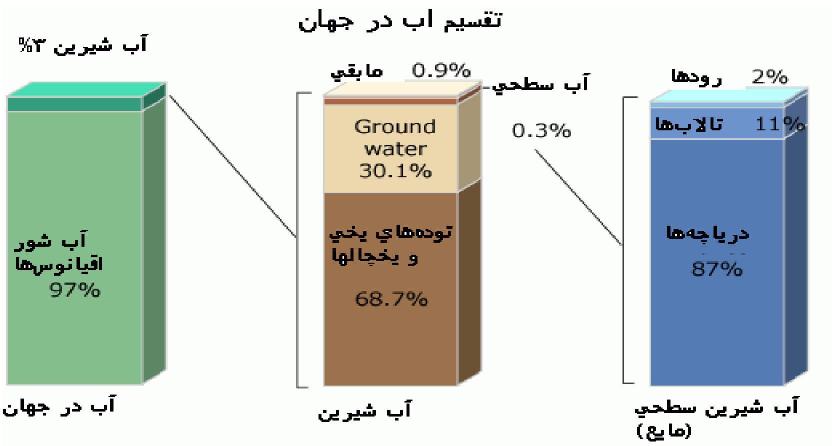
رودهای مرزی را بر روابط کشورها مورد بررسی قرار می دهد و با تأکید بر رودخانه‌ی مرزی هریرود، نقش این منبع آبی مشترک را در ایجاد همکاری و همگرایی بین دو کشور ایران و ترکمنستان، مورد بررسی و تبیین قرار می دهد.

کلیدواژه‌ها:رودهای مرزی، هریرود، همگرایی، آسیای مرکزی، ایران، ترکمنستان.

۱. درآمد:

سیاره زمین را به دلیل آن‌که سه چهارم سطحش از آب پوشیده شده است، یک سیاره "آبی" نام نهاده اند. با این وجود، از مجموع آب‌های سطح کره زمین نود و هفت درصد در اقیانوس ها قرار داشته و شور است و مجموع آب‌های شیرین فقط حدود سه درصد است، که دو سوم از این مقدار نیز به صورت یخچال های طبیعی در قطب های شمال و جنوب و همچنین در یخچال‌های کوهستانی قرار دارد. بنابراین کل آب شیرین قابل دسترس کمتر از یک درصد است که در زیر زمین یا در رودها و دریاچه های آب شیرین قرار دارد (ولایتی، ۱۳۸۳: ٢٤). نمودار زیر به خوبی وضعیت جهانی آب را نشان می دهد.

نمودار ۱ :وضعیّت منابع آب در جهان



از سوی دیگر، پراکندگی میزان بارش در جهان بسیار ناهمگن بوده و به توزیع نامنظم آب‌های شیرین در جهان کمک می‌کند، به گونه‌ای که چهل درصد از خشکی های کره زمین که به

سرزمین های خشک و نیمه خشک در شمال آفریقا، استرالیا و خاورمیانه مربوط می شود، تنها دو درصد آب‌های شیرین جهان را در اختیار دارد(شوتار، ۱۳۸٦: ٦۰). در کنارکمبود شدید منابع آب شیرین در جهان و توزیع نامناسب و ناهمگون منابع آب شیرین در بین مناطق و کشورهای جهان، بروز مسایلی نظیر رشد جمعیت، ارتقاء سطح زندگی و بهداشت، گسترش شهرنشینی، رواج فرهنگ مصرف گرایی، گسترش صنایع، کشاورزی و. . . موجب افزایش شدید و روزافزون مصرف آب در جهان شده است، به گونه‌ای که مصرف آب نسبت به اوایل قرن بیستم، هفده برابر و نسبت به سه قرن قبل چهل و پنج برابر شده است(مختاری، ۱۳۸۷: ۳۷). بنابراین سهم بسیار ناچیز منابع آب شیرین جهان از مجموعه‌ی آب‌ها (کمتر از یک درصد)، توزیع ناهمگون منابع آب شیرین در مناطق مختلف، به ویژه فقر شدید منابع آب شیرین در مناطقی از آسیا، آفریقا، استرالیا و ...، سرانجام افزایش بیست برابری مصرف آب در سطح جهان، سه چالش جدی است که، منابع آبی کشورها اعمّ از رودها و دریاچه‌ها را به دارایی‌های امنیت ملی آنها تبدیل کرده است، که باید بر سر آنها جنگید و یا این‌که با استفاده از ارتش‌های نظامی و نیروهای دولتی کنترل کرد. با توجه به این واقعیّت، برخی ژئوپلیتیسین ها سده کنونی را سده هیدروپلیتیک می‌دانند و بر این باوراند که بیشتر درگیری ها و جنگ های منطقه ای در جهان به دلیل بحران برآمده از کمبود آب خواهد بود(کاویانی، ۱۳۸٤: ۳۳۹).

هیدروپلیتیک به مطالعه‌ی اثر تصمیم‌گیری‌های مربوط به استفاده از آب در شکل‌گیری‌های سیاسی در روابط میان کشورها با یکدیگر با روابط میان دولت‌ها و مردم حتی در یک کشور می پردازد(مجتهد زاده، ۱۳۸۱: ۱۳۱). به عبارت دیگر هیدروپلیتیک به مطالعه‌ی نقش آب در مناسبات و مناقشات اجتماعات انسانی و ملّت‌ها و دولت‌ها می پردازد، اعمّ از این‌که در داخل کشورها و یا بین آنها و دارای ابعاد فراکشوری، منطقه ای، جهانی و بین المللی باشد(حافظ نیا، ۱۳۸۵: ۱۰۲) همچنان که از تعاریف بالا مشخص است، مسأله‌ی کمبود آب و تشدید تدریجی آن در اثر افزایش مصرف، موجب شده که آب نقش بنیادینی در شکل دهی به روابط سیاسی– اجتماعی ملّت‌ها و جوامع بشری، به ویژه در مناطق خشک جهان داشته باشد، اما لزوما این به معنی بروز رقابت منفی و مناقشه بر سر منابع آب نیست. به عبارت دقیق تر، نقش و تأثیر منابع

آبی مشترک بر روابط کشورها و ملّت ها هم دارای جنبه‌های مثبت و همکاری بین کشورها مانند نظام حقوقی رودخانه‌ی دانوب بوده و هم دارای جنبه های منفی و مناقشه انگیزمثل منطقه‌ی خاورمیانه و شبه قاره هند است (مختاری، ۱۳۸۷: ٤٠). نوع بر هم کنش میان دولت ها در بهره برداری از منابع آب مشترک، طیف گسترده ای از سازگاری و همکاری کامل تا ناسازگاری و جنگ را در بر می‌گیرد(حافظ نیا، ۱۳۸۵: ۱۰۲). نزاع اعراب و رژیم اشغالگر قدس بر سر آب‌های مشترک مرزی، جدال بولیوی و شیلی بر سر رود لوکا، نزاع اردن و سوریه بر سر رودخانه یرموک، منازعه‌ی هند و پاکستان بر سر رودهای مرزی ایندوس و ساتلی، نمونه‌های متعددی از تأثیرمنفی آب بر روابط کشورهاست. در مقابل، نمونه‌های مختلفی نیز از همکاری کشورها در مدیریت مشترک و بهره برداری بهینه از منابع آبی مشترک وجود دارد. همکاری کشورهای ذی نفع در تدوین و اجرای نظام حقوقی رودخانه دانوب و نظام حقوقی دریای سیاه، نمونه هایی از این همکاری هاست. همچنین همکاری مشترک ایران و ترکمنستان در احداث سد دوستی به منظور بهره برداری مشترک از آب های مرزی نمونه‌ی دیگری است که به خوبی نقش رودهای مشترک مرزی را در همکاری و همگرایی منطقه ای نشان می‌دهد. مقاله‌ی حاضر به صورت اسنادی و با شیوه توصیفی- تحلیلی به بررسی نقش رودهای مرزی در ایجاد همکاری و همگرایی‌های منطقه ای می‌پردازد. نمونه‌ی مورد مطالعه نیز فعالیت مشترک دو کشور ایران و ترکمنستان در قالب احداث سد دوستی به عنوان یک پروژه‌ی فراملی و منطقه ای روی رودخانه‌ی هریرود است.

۲. مبانی نظری

بحث همگرایی و واگرایی ناظر بر رفتار جمع گرایی ودوری گزینی کشورها ودولت‌ها نسبت به یکدیگر است. به فرایند هم پیوستگی وهم‌بستگی دولت های ملی "همگرایی" و به فرایند جدایی ودورگزینی دولت های ملی نسبت به همدیگر "واگرایی" گفته می شود (حافظ نیا، ۱۳۷۹: ٥٤). هم‌گرایی در چارچوب فرهنگ علوم سیاسی به فرآیندی گفته می‌شود که طیّ آن دولت‌ها یا واحد های سیاسی مستقل و جدا از هم به طور داوطلبانه و آگاهانه در جهت

مشارکت در تصمیم‌گیری و اقدام حرکت می‌کنند. بر این اساس برای به بیشینه رساندن منافع خود از طریق همگرایی، حداقل ازقسمتی از حاکمیت ملی و اعمال آن، برای دست‌یابی به پاره ای از اهداف مشترک چشم پوشی می شود. (شیخ حسنی، ۱۳۷۵: ۱۱۹)

همگرایی یکی از نظریه‌های نسبتاً جدید در عرصه‌ی مطالعات روابط بین الملل به شمار می‌رود و عملاً پس از جنگ جهانی دوم بود که برای تجزیه و تحلیل سیاست‌های منطقه‌ای و بین المللی استفاده شد. نظریه‌ی هم‌گرایی محصول تفکر و بینش گروه‌هایی بود که تعدّد واحدهای سیاسی و حاکمیت ملی دولت ها را سبب بروز جنگ ها می دانستند. لذا این گروهها تمام تلاش خود را برای ایجاد سازمان‌های فراملی اعمّ از اقتصادی، سیاسی و اجتماعی به کارگرفتند تا با ایجاد جو همکاری میان دولت ها، از سطح تعارضات و مناقشات منطقه ای کاسته شود. گرچه تمایل به اتحاد و هم‌بستگی در طول تاریخ، همواره یکی از راههای مؤثر برای مقابله با دشمن مشترک و دست‌یابی به اهداف مشخصی بوده، گرایش به همگرایی از نوع جدید آن از ویژگی‌های بارز سده‌ی بیستم به ویژه نیم سده‌ی اخیر است(ولایتی، ۱۳۸۹: ١٥٤)

مقوله‌ی همگرایی گاه به عنوان یک فرآیند[۱] در نظر گرفته می‌شود که شامل فعل و انفعالات و اقداماتی است که برای نیل به مرحله‌ی وحدت صورت می‌گیرد و گاه به عنوان یک وضعیت یا محصول نهایی[۲] وحدت سیاسی است. بر این اساس، افرادی چون آمیتای اتزیونی و کارل دویچ، همگرایی را بیش از آن‌که یک فرایند فعل و انفعالات برای نیل به مرحله‌ی وحدت بدانند، یک طرح و یک وضعیّت نهایی قلمداد می‌کنند. به عقیده‌ی آنان، این واژه دقیقاً مفهوم اتحاد سیاسی بین دولت‌های مستقل و حاکم را در بردارد، نظیر آن چه در ایالات متحده و سوییس اتفاق افتاده است(فرانکل، ۱۳۷۱: ٨٤). دومین گروه از نظریه پردازان همگرایی، افرادی چون فیلیپ ژاکوب و هنری تیون هستند که از این پدیده به عنوان یک "فرایند" یاد می‌کنند. آنان از همگرایی بیشتر به عنوان یک امر نسبی یاد کرده‌اند تا یک امر مطلق. براساس این نظر،

۱- Process

۲- State End product

مفهوم همگرایی، ضمن این که همکاری دولت ها در زمین های محدود را در بر می گیرد، ممکن است به وضعیت نهایی آن یعنی ادغام واحدهای سیاسی نیز منجر شود. در واقع، با این الگوی مفهومی، همگرایی ضرورتاً به ادغام واحدهای سیاسی منجر نمی شود، اما رفع اختلافات سیاسی و افزایش همکاری‌های دوجانبه و چندجانبه در طول زمان می‌تواند زمینه‌ی تشکیل سازمان‌های فراملی را فراهم کند(ولایتی، ۱۳۸۹: ۱۵۵)

در میان جوامع انسانی و واحد های متشکل سیاسی، عمدتاً چهار نوع همگرایی مورد توجه است که شامل همگرایی سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و ایستاری است (افضلی، ۱۳۸۸: ١٢٤). صاحب‌نظران و اندیشمندان، متغیّرهای متعددی را برای تحلیل میزان همگرایی منطقه ای میان کشورها مطرح می‌نمایند؛ از جمله‌ی این صاحب نظران می‌توان به کانتوری و اشپیگل اشاره کرد که در زمینه‌ی همگرایی منطقه‌ای به چهار نوع متغیّر، شامل: متغیّر اجتماعی، متغیر سیاسی، متغیّر اقتصادی و نیز متغیّر ساختار روابط منطقه‌ای اشاره کرده اند. این نظریه پردازان معتقدند هم بستگی اجتماعی و تشابه ابعاد اجتماعی واحدها در ایجاد هم گرایی و یا به عکس واگرایی منطقه‌ای نقش دارند. آن ها همچنین، هم‌بستگی سیاسی را معلول نظام ها و رژیم های حکومتی کشورهای منطقه می‌دانند. به زعم این نظریه پردازان، تشابه و تجانس بین نوع نظام و رژیم سیاسی یا عکس آن می‌تواند مشوّق همگرایی یا محرّک واگرایی منطقه ای باشد. همچنین عامل مکمّل بودن اقتصادی نیز به هم بستگی و یا جدایی بازیگران منطقه ای یاری خواهد داد. متغیّر ساختار روابط منطقه ای نیز میزان قدرت در میان کشورهای منطقه و تقسیم آن ها به بازیگر مرکزی، بازیگر حاشیه ای و بازیگر مداخله گر را بیان می‌کند (امینی، ۱۳۸۹: ١٥٦).

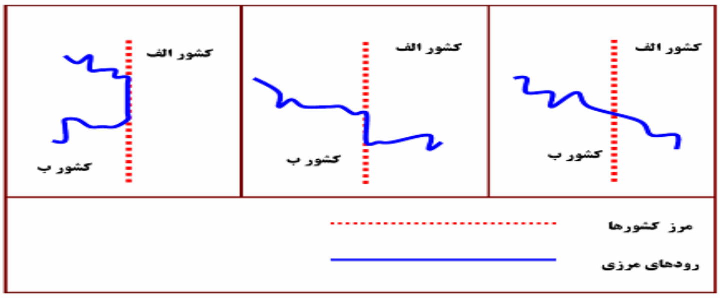
۳. بیان موضوع

۳-۱). رودهای مرزی، واگرایی یا همگرایی

یکی از منابع تأمین آب شیرین، رودخانه ها هستند. رودخانه‌های آب شیرین در مناطق خشک و نیمه خشک جهان که بارش‌های کافی و منظّمی را دریافت نمی‌کنند، نقش بسیار حیاتی دارند، به ویژه این‌که در مناطق خشک تعداد رودخانه‌های بزرگ بسیار محدود است و

این خود عاملی برای شکل گیری روابط رقابت آمیز در استفاده از این رود خانه‌ها شـده اسـت. از دیدگاه حقوق بین الملل، رودهای بین المللی به راههای آبی گفته می‌شوند که از مرز بین دو یا چند کشور عبور کرده و نوار مرزی کشورها را تعیین می‌کند؛ یا رودهایی که در طـول مسـیر خود از قلمرو چند کشورعبور می‌کنند. مانندرن، دانـوب، ارونـد رود، دجلـه و فـرات(زرقـانی، ١٣٨٦: ٧٣). شکل زیر انواع رودخانه‌های بین‌المللی را به تصویر کشیده است.

شکل ۱ : انواع رودخانه های بین المللی



Source: Toset,٢٠٠٠: ٩٨

نگاه به نقشه‌ی جغرافیای طبیعی و سیاسی جهان، حکایت از عـدم تطـابق مرزهـای سیاسـی بـا حوضه های آبریز دارد، به گونه‌ای که امروزه بیش از چهـل درصـد از جمعیـت جهـان در منـاطقی زندگی می‌کنند که حوضه های آبریزآنها بین دو یا چند کشور مشترک اسـت و پنجـاه تـا شصـت و پـنج درصـد از وسـعت هـر یـک از قـاره هـا را حوضـه هـای آبریـز مشـترک تشـکیل مـی دهد(Lazerwits,١٩٩٤:٣). تعداد دویست و شصت و یک رودخانه بین المللـی در دنیـا بـین دو یـا چند کشور مشترک است که این حوضه های مشترک منبع بیش از شصت درصد آب آشـامیدنی در جهان است. همچنین به مرور زمان بر اثر تجزیه‌ی کشورها و استقلال کشـورهای جدیـد بـر تعـداد حوضه‌های بین المللی افزوده می‌شود. جـدول زیـر تعـداد حوضـه هـای مشـترک در جهـان را بـه تفکیک قاره ها نشان می‌دهد.

جدول ۱: تعداد حوزه های رودهای بین المللی به تفکیک قاره

نام قاره	تاریخ ۱۹۷۸	به روز شده در تاریخ ۱۹۹۹
آفریقا	٥٧	٦٠
آسیا	٤٠	٥٣
اروپا	٤٨	٧١
مریکای شمالی	٣٣	٣٩
مریکای جنوبی	٣٦	٣٨
مجموع	٢١٤	٢٦١

اساساً وجود منابع آبی مشترک در مناطق مرزی به عنوان یـک منبـع اقتصـادی، عامـل مهمـی در اختلافات مرزی کشورها به حساب می‌آید. این نوع اختلافات از سابقه‌ی کهنی نیز برخوردار اسـت، به گونه‌ای که برآورد می شود اولین جنگی که منابع آبی در ایجاد آن نقش بسـزایی داشـته اسـت در ٤٥٠٠ سال قبل رخ داده است. امروزه، حدود پنجاه کشور در پنج قاره‌ی جهان در چنـین وضـعیتی قرار دارند (١٢: Hamner,١٩٩٧). بر اسـاس تحقیقـات انجـام شـده در دهـه‌ی١٩٩٠، در جهـان ده منطقه وجود داردکه اختلاف بر سر منابع آبی مشترک مرزی بین کشورها، می‌توانـد بـه جنـگ‌هـای خانمان‌سوزی تبدیل شود(١٩: Starr,١٩٩١). کارشناسان معتقداند چهار عامل جغرافیـایی مـی‌تواننـد به طوربالقوه باعث ایجاد منازعه و تنش در مرزهای رودخانه ای کشورها شـوند. ایـن چهـار عامـل عبارت‌اند از: آلودگی و تحلیل منابع، کمبود یا کم آبی، توزیع ناعادلانـه و سـهمیه‌بنـدی نامناسـب و بلایای طبیعی یـا حـوادث انسـانی(٢٠٧ :Spectorr,٢٠٠١). جـدول زیـر مهمتـرین منازعـات بـین کشورهای جهان را بر سر رودهای مرزی مشترک نشان می دهد.

جدول ۲: مهمترین منازعات بین المللی محیطی بر سر منابع آبی رودخانه ای

نام رود یا رودها	کشورهای ساحلی طرف منازعه با اهداف متضاد	علت اصلی منازعه و اختلاف
نیل	مصر،اتیوپی،سودان	جریان آب
دجله و فرات	عراق،سوریه،ترکیه	سد سازی، جریان آب
اردن،لیتانی	فلسطین اشغالی (اسرائیل)،لبنان	جریان آب
یرموک	اردن،سوریه	جریان آب
ایندوس،ساتلی	هند،پاکستان	استفاده از آب جهت آبیاری
گنگ	هند، بنگلادش	سیلاب ،رسوبگذاری
مکونگ	لائوس،ویتنام،کامبوج،تایلند	جریان آب
پارانا	آرژانتین،برزیل	سد سازی، سیلاب
لوکا	بولیوی، شیلی	سدسازی، شور شدن آب
ریوگراند، کلرادو	مکزیک،ایالات متحده آمریکا	شوری آب،آلودگی شیمیایی و ک، مسیر رود
دریاچه های بزرگ	کانادا،ایالات متحده آمریکا	تغییر مسیر آب
راین	فرانسه،آلمان،هلند ،سوئیس	آلودگی صنعتی
الب	چک،اسلواکی،آلمان	آلودگی صنعتی
سزاموس	مجارستان،رومانی	آلودگی صنعتی
دانوب	چک،اسلواکی،مجارستان،آلمان	جریان آب، سد سازی

منبع: زرقانی، ١٣٨٦: ١٢١

با وجود کثرت منازعات و تنش ها بر سر منابع آبی مشترک بخصوص رودهای مرزی، نـوع بر هم کنش میان دولت ها در بهره برداری از منـابع آب مشـترک، فقـط محـدود بـه ایـن نـوع منازعات نیست، بلکه طیف گسترده‌ای از سازگاری و همکاری کامل تا ناسـازگاری و جنـگ را در بر می‌گیرد (حافظ نیا، ١٣٨٥: ١٠٢). به عبارت دقیق تر، در برخی موارد این منابع آبی مشترک می‌تواند در نقش یک علقه‌ی مشترک جغرافیایی ظاهر شده و زمینه را بـرای بـروز همکـاری و همگرایی در سطح منطقه فراهم کند. به عنوان نمونه می‌توان از رودخانه‌ی مـوزل در مـرز بـین آلمان ولوکزامبورگ نام برد که نمونه ای از حاکمیت و بهره بـرداری مشـترک میـان دو دولـت ساحلی است. لازم به ذکر است همکاری بین کشورها برسر منابع آب به میزان زیادی با روابـط اقتصادی و سیاسی و میزان اطمینان و اعتماد سیاسی طرفین به یکدیگر ارتباط دارد. زمـانی کـه کشورهای حاشیه رودخانه دیدگاههای سیاسی مشترکی داشـته یـا روابـط اقتصـادی و تجـاری گسترده ای با یکدیگر داشته باشند، این عامل امکان همکاری و در نهایت دست‌یابی بـه توافـق

بین آنها را افزایش می دهد (کرنر، ۱۳۷۲: ۱۵). بر عکس زمانی که کشورهای حاشیه‌ی رود، بدون روابط سیاسی و اقتصادی گسترده ای باشند و یا تاریخچه‌ای از دشمنی میان آنها وجود داشته باشد، این عوامل در نهایت منجر به نبود اعتماد سیاسی بین کشورهای حاشیه رود می-شود که احتمال همکاری را کاهش می‌دهد. همچنین تداوم همکاری بین کشورهای حاشیه‌ی رودخانه‌ها، نیازمند دست‌یابی به توافق تمام کشورهای حاشیه آن و تقسیم منصفانه‌ی آب بین آنهاست. از این رو باید با یک رویکرد جامع تمام جوانب در تقسیم و سهمیه بندی آب یا استفاده های دیگر از منابع آب رودخانه ها در نظر گرفته شود، در غیر این صورت، دست‌یابی به توافق و امضای قرارداد ممکن است در کوتاه مدت مشکل را بر طرف کند، اما نمی‌تواند آن را برای همیشه حل کند و این گونه توافقات ناپایدار خواهند بود(کلار، ۱۳۸۱:۱۰۸). یکی از نمونه‌های خوب همکاری و همگرایی کشورها در بهره برداری از منابع آبی مشترک، همکاری ایران و ترکمنستان در احداث سد دوستی روی رودخانه مرزی هریرود و تدوین نظام بهره برداری مشترک از آن است. در ادامه‌ی مطلب، ضمن بررسی برخی زمینه ها ومصادیق همکاری و همگرایی ایران و ترکمنستان، به بررسی نقش هریرود در پیوند و همگرایی منطقه ای دو کشور ایران و ترکمنستان می پردازیم.

۳-۲. زمینه های همکاری و همگرایی ایران و ترکمنستان

آسیای مرکزی متشکل از پنج جمهوری ترکمنستان، قرقیزستان، قزاقستان، تاجیکستان و ازبکستان است که پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی در نقشه‌ی جدید جهان ظاهر شد. از زمان استقلال کشورهای آسیای مرکزی تا سال ۲۰۰٤ ایران، ۲۹۸ موافقت‌نامه، یادداشت تفاهم و پروتکل با این جمهوری‌ها منعقد نمود. از این میان، ۱۹۲ سند در مورد روابط اقتصادی و همکاری‌های اقتصادی بوده است. در زمینه‌ی همکاری اقتصادی، حمل و نقل، در مرحله‌ی نخست قرار داشته است. پروژه سوآپ نفت، همکاری در امور ساختمانی، ساخت نیروگاه‌های برق آبی، سیستم‌های آبیاری و به ویژه سدسازی و ایجاد زیرساخت‌های خطوط

جاده‌ای و ریلی، از مهم‌ترین زمینه‌های همگرایی در حوزه‌ی اقتصادی بین ایران و کشورهای این منطقه، به ویژه کشور ترکمنستان، به حساب می‌آید (امیر احمدیان، ١٣٨٢: ٢٠٧).

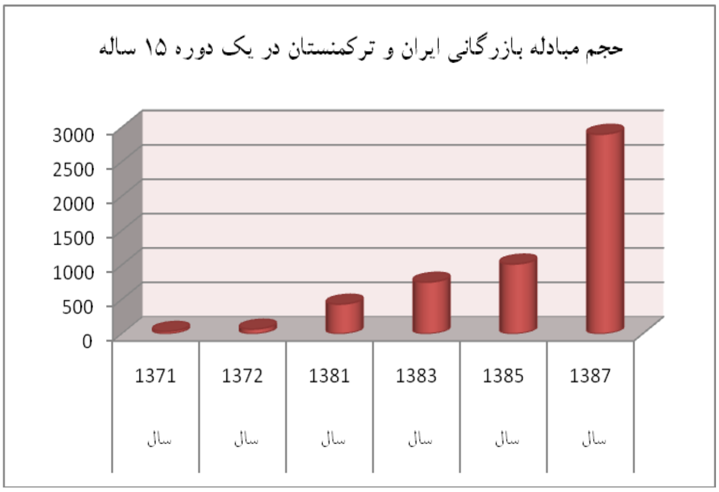
در نظریه‌های ژئوپلتیک اعتقاد بر این است که کشورهای دارای تقارن جغرافیایی غالباً مناطق ارتباطی سیاسی دو جانبه و چند جانبه را شکل می‌دهند و در سیاست خارجی شدیداً از یکدیگر تأثیر پذیراند. هر چه این تقارن جغرافیایی بیشتر باشد، اثر پذیری متقابل بیشتر است و بسته به نوع و میزان ارتباط متقابل و همانندی‌های سیاسی و فرهنگی و تعاملات اقتصادی، انتظار همگرایی بین آنها می‌رود. بنابراین ویژگی‌های مشترک جغرافیایی از جمله عواملی است که زیرساخت‌های همگرایی منطقه ای را شکل می‌دهد(حافظ نیا، ١٣٨٣: ٦١). به نظر می‌رسد عوامل و زمینه های مشترک جغرافیایی، سیاسی، اقتصادی و فرهنگی، نقش مهمی در پیوند و همگرایی دو ملت و دولت ایران و ترکمنستان داشته و دارند. پارامترهای زیادی چون اشتراک فرهنگی، دینی، تاریخی، منافع اقتصادی ومجاورت جغرافیایی بین دو ملت ایران و ترکمنستان وجود دارد که هر یک به تنهایی کافی است که زمینه ساز ارتباطات عمیق و گسترده باشد. به عقیده‌ی کارشناسان در میان کشورهای منطقه‌ی آسیای مرکزی، مناسبات ایران و ترکمنستان به لحاظ پیوندهای تاریخی، اشتراکات فرهنگی، مرز مشترک جغرافیایی، پتانسیل‌های اقتصادی، سیاسی، ملاحظات امنیتی و موقعیّت جغرافیایی، اهمیتی دوچندان پیدا نموده است (نیکخواه، ١٣٨٦: ٨). از همین روست که در دو دهه‌ی گذشته، طرح‌های فراوانی در حوزه‌های مختلفی مانند ایجاد زیرساخت‌ها، شبکه‌های ارتباطی، اعطای اعتبارات بانکی و مالی، پروژ های مشترک انتقال و فروش نفت، گاز، برق، جاده، راه آهن، سیستم های آبیاری، سد سازی و ... بین دو کشور اجرا شده است، که نشان‌دهنده همکاری‌های و تعاملات خوب میان دو کشور است. برای بیان بهتر موضوع به طور مختصر برخی از مهمترین موارد همکاری و همگرایی دو کشور مورد اشاره قرار می گیرد:

- پس از آن‌که ترکمنستان در پنج آبان ماه ١٣٧٠(٢٧ اکتبر ١٩٩١م) مستقل گردید، جمهوری اسلامی ایران جزو اولین کشورهایی بود که ترکمنستان را به رسمیت شناخت و در دی ماه ١٣٧٠ اقدام به تاسیس سفارت خانه نمود. از آن زمان تاکنون مسؤولان دو کشور در سطوح

مختلف به ویژه در سطح مقامات بلندمرتبه به طور مکرّر از کشور یکدیگر بازدید کرده و با یکدیگر ملاقات داشته اند. بسیاری از توافق نامه ها در زمینه‌ی همکاری های اقتصادی در طول همین سفرها انجام شده است.

- یکی از مهم‌ترین گام‌ها برای گسترش روابط و توسعه‌ی هم‌گرایی اقتصادی، گسترش شبکه های راه آهن و خطوط مواصلاتی دیگر می باشد. در زمینه‌ی ترانزیت و حمل و نقل، همکاری‌های عمده ای بین دو کشور ایران و ترکمنستان صورت پذیرفته است، احداث راه آهن (مشهد- سرخس- تجن) و ساخت و تکمیل راه آهن (ایران- ترکمنستان و قزاقستان) و... از جمله‌ی این طرح‌ها به حساب می‌آید.
- به باور کارشناسان یکی از مهمترین شاخص‌های همگرایی بین دو کشور، تعاملات تجاری و مبادلات بازرگانی بین دو کشور است. ایران و ترکمنستان از زمان استقلال این کشور تاکنون مبادلات تجاری روز افزونی داشته‌اند، به طوری‌که به عنوان نمونه حجم مبادلات بازرگانی دو کشور از سال ۱۳۷۱ از رقم سی و پنج ملیون دلار به حدود سه ملیارد دلار در سال ۱۳۸۷ رسیده است(شمسا، ۱۳۸۹: ۱۹). نمودار زیر به خوبی این وضعیت را نشان می دهد.

نمودار ۲: حجم مبادلات بازرگانی ایران و ترکمنستان از سال ۱۳۷۱ تا ۱۳۸۷(میلیون دلار)



• در بخش نفت و گاز نیز همکاری‌های خوبی بین دو کشور صورت گرفته است. خط لوله دویست کیلومتری موسوم به (کردبچه- کردکوی) با هزینه‌ی صد و نود و پنج میلیون دلار توسط شرکت طرّاحی و ساختمان نفت ایران احداث شد، که سالانه بیش از هشت میلیارد متر مکعب گاز از طریق این خط لوله به ایران صادر می‌شود. خط لوله دوم انتقال گاز(دولت آباد- سرخس- خانگیران) نیز با ظرفیّت سالانه حدود دوازده میلیارد متر مکعب مورد بهره برداری قرار گرفت. هردو کشور توافق کرده اند در سال جاری میلادی چهارده میلیارد و در آینده ای نزدیک بیست میلیارد متر مکعب از گاز ترکمنستان به ایران صادر شود (شمسا، ۱۳۸۹: ۲۳).

• بیشترین کالای صادراتی ترکمنستان به ایران پس از گاز، انرژی برق است. این کشور قرار است بر پایه‌ی قراردادی ده ساله سالانه ٦٤٠ میلیون کیلووات ساعت برق به ارزش حدود پانصد میلیون دلار به ایران صادر کند(البته در فصل زمستان نیز که نیاز ایران به برق کمتر است، ایران به ترکمنستان برق صادر می‌کند). به منظور عملی ساختن این قرارداد شبکه های زیر ساخته شده یا در حال تکمیل شدن است:

– گنبد ـ بالکان آباد، ٤٠٠ کیلوولت (فعلاً ۲۳۰ مگاوات با ۲۳۰ کیلوولت برق دارد)؛

– سرخس ـ شاتلیق ؛۲۳۰ کیلو ولت، ۱۰۰مگاوات؛

– مشهد ـ ماری (مرو). ٤٠٠ کیلو ولت، ٤٠٠ مگاوات (در دست احداث) (وثوقی، ۱۳۸۹: ١٤٢).

بیان موارد بالا به معنای نبود عوامل واگرا در روابط دو کشور ایران و ترکمنستان نیست، بلکه دو کشور به دلیل وجود برخی متغیّرها مانند تفاوت در ماهیت نظام‌های سیاسی، ایدئولوژی سیاسی و... در برخی زمینه ها اختلافات اساسی نیز با هم دارند. اما در یک نگرش کلی، می‌توان به روشنی دریافت که زمینه‌های همکاری و همگرایی بین دو کشور متعدد و ریشه ای بوده و می‌تواند بستر پایداری برای همکاری‌های متعدد اقتصادی، سیاسی، فرهنگی، علمی، امنیتی و... بین دو کشور قرارگیرد. از جمله نمادهای برجسته همکاری دو کشور ایران و ترکمنستان در طول سالیان گذشته، می‌توان به مشارکت دو کشور در ساخت پروژه سد دوستی روی رودخانه‌ی مرزی هریرود اشاره کرد.

۳-۳. هریرود، همکاری و همگرایی منطقه‌ای

۳-۳-۱)سیمای هیدرولوژی منطقه

چشم انداز آینده سال ۲۰۲۵ میلادی، نشان می‌دهد ما با دو میلیارد انسان روبه رو خواهیم بود که در کشورهای خود از دسترسی به آب مورد نیاز خویش در بخش‌های مصرف کشاورزی، صنعت وخانگی محروم‌اند (Un. ۲۰۰۷. ۱۵) . ایران و ترکمنستان نیز از نظر دسترسی به منابع آبی در شرایط نامناسبی به سر می برند. اگر چه منطقه‌ی آسیای مرکزی از لحاظ منابع آب غنی است، امّا بیش از نود درصد این منابع در کوهستان‌های قرقیزستان و تاجیکستان متمرکز شده است، از این‌رو این منطقه نیز با تنش های با منشأ آب روبرو است. چنان‌که در اواخر دهه‌ی ۱۹۸۰ موضوع توزیع آب و منازعات مرزی منجر به رویارویی‌های آشکاری بین دولت‌ها شد، اما این درگیری‌ها با دخالت مسکو فرونشانده شد. بنا بر این آب منبعی عمده برای برخوردها در آسیای مرکزی بوده است. به ویژه در سه سال اخیربه دلیل خشکسالی شدید در این منطقه، تنش‌ها در این خصوص زیادتر شده است.

ترکمنستان کشوری با آب و هوای گرم و خشک است که در تابستان گرمای هوا در شهرها تا پنجاه درجه نیز می رسد. گرمای هوا در کویر قره قوم تا شصت درجه‌ی سانتی‌گراد نیز بالغ می‌شود. متوسط بارش سالانه در این کشور حدود هشتاد میلی‌متر در نقاط کویری و حد اکثر سیصد میلی‌متر در نقاط کوهستانی است. در این مناطق به ندرت برف هم می بارد، امّا هیچ‌گاه میزان آن از ده سانتی‌متر تجاوز نمی‌کند (کریمی، ۱۳۷۵: ۵۵). در نتیجه این کشور از نظر داشتن رودها با محدودیت شدیدی روبرو است و معدود رودهای جاری در این کشور نیز از کشورهای همسایه سرچشمه گرفته اند. با این شرایط، ترکمنستان را نیز می‌توان جزو آن دسته از کشورهایی قرار داد که در بحران کم آبی قرار دارند. مهمترین رودهای جاری در این کشور عبارت‌اند از رودخانه‌ی آمودریا، رود مرغاب، هری رود و اترک. رودخانه آمودریا با ۲۶۲۰ کیلومتر طول، از ارتفاعات آسیای مرکزی سرچشمه گرفته و پس از عبور از کشور ترکمنستان وارد کشور ازبکستان شده و به دریاچه‌ی آرال می ریزد؛ از این رود کانالی معروف به "کانال قره‌قوم" کشیده شده که

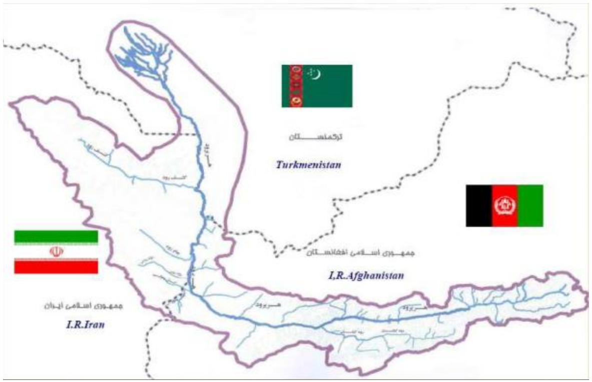
بخش‌هایی از آب این رود را به داخل ترکمنستان انتقال می‌دهد. رود دیگر رودخانـه مرغـاب اسـت به طول هشتصد و پنجاه کیلومتر. این رود از شمال غرب افغانسـتان سرچشـمه گرفتـه و بـه سـوی شمال غرب جریان یافته و سپس وارد ترکمنستان شده و به بیابـان قـره قـوم منتهـی مـی‌شـود. رود سوم، اترک است که از کوههای هزار مسجد در خراسان سرچشمه گرفته و در ادامه مسیری بخـش-هایی از مرز ایران و ترکمنستان را تشکیل مـی‌دهـد، پـس از آن وارد خـاک ترکمنسـتان شـده و در خلیج حسنقلی به دریای خزر می‌ریزد. در نهایت هَـری‌رود، رودی اسـت کـه از کوههـای مرکـزی افغانستان (هندوکش) سرچشمه می‌گیرد و با گذر از ولایت‌های غور و هرات در افغانسـتان، بخـش-هایی از مرز مشترک ایران و افغانستان را در برگرفته و سپس وارد کشور ترکمنستان مـی‌شـود. سـد دوستی به عنوان یک پروژه‌ی مشترک روی همین رود احداث شده است. از سوی دیگـر ایـران نیـز به دلیل ریزش‌های کم جوّی و نامناسب بـودن پـراکنش زمـانی و مکـانی بارنـدگی‌هـا، در زمـره‌ی کشورهای خشک و نیمه خشک جهان محسوب می شود. متوسـط بـارش سـالانه در کشـور ایـران حدود دویست و پنجاه میلی‌متر بوده که معادل یک سوم متوسط بارش کـل جهـان اسـت(کردوانـی، ۱۳۸۱: ۱۵۲).

۳-۳-۲. حوضه‌ی آبریز هریرود

رودخانه‌ی هریرود از کوههای افغانستان سرچشمه می‌گیـرد و از شـمال شـرق تایبـاد وارد ایران می شود. در مسیر هریرود در مرز ایران و افغانستان و تا تنگه‌ی ذوالفقار، که محل تلاقـی مرزهای ایران و افغانستان و ترکمنستان است، برخی جریان های فصـلی در ناحیـه‌ی بـاخزر و سپس رودخانه جام یا جام رود در ناحیه‌ی تربت جام به این رود می‌پیوندد. سپس در محل پل خاتون، رودخانه‌ی کشف رود که با جهتی غربی – شرقی از دشت مشهد می‌آیـد، بـه هریـرود می پیوندد. از این‌جا، پس از تلاقی هریرود و کشف رود رودخانه‌ی مزبور تجن نامیده می‌شود، که با این نام، ادامه‌ی مرز مشترک ایران و ترکمنستان را تشکیل می‌دهد و بـا جهتـی جنـوبی – شمالی به سمت کویر قره قوم در ترکمنستان جریان یافته و در شنزارهای آن فرو می رود.

به طور کلی در طول مسیر هریرود از کوههای بابا و سفید کـوه تـا مـرز ایـران و سـپس تـا پـل خاتون (محل تلاقی هریرود با کشف رود) و مسـیر تجـن از پـل خـاتون تـا شـنزارهای قـره قـوم در ترکمنستان، رودهای فصلی و دایمی مختلفی به این رود وارد می‌شوند. در بخش ایـران ایـن رودهـا عبارت‌اند از: جریان‌های غیر دایمی فصلی و عمدتاً سیلابی ناحیه‌ی تایباد و باخزر، رودخانـه‌ی جـام رود و رودخانه‌ی قلندر آباد، کشف رود که پس از طی مسیری طولانی در دشـت مشـهد بـا جهتـی تقریباً غربی –شرقی از میان ارتفاعات مزدوران (کپه داغ) عبـور کـرده و در پـل خـاتون بـا هریـرود تلاقی می‌کند و سرانجام رودهای فصـلی دشـت سـرخس ماننـد رودخانـه‌ی شـورلق، رودخانـه‌ی چکودر در مجموع سه رودخانه‌ی اصلی در استان خراسان، سالانه حدود صد و پنجاه و پنج میلیـون مترمکعب آب‌های حوضه‌ی آبریز شرق کشور را به رودخانـه‌ی مـرزی هریـرود مـی ریزنـد. (بـای، ۱۳۸٤: ۲۹)

نقشه۱ : حوزه آبریز هریرود در سه کشور افغانستان، ایران و ترکمنستان



مساحت حوضه‌ی آبریز هریرود تا محل پل خاتون بـالای ٤١٩٦٢ کیلومترمربـع اسـت، کـه حدود۲۷۰۰۰ کیلومترمربع آن در افغانستان، ۱٤۰۰۰کیلومتر مربع آن در ایران و٤۱۱ کیلومترمربع آن در ترکمنستان واقع شده است. دبی متوسط سالانه‌ی رودخانه هریرود در محل پل خـاتون برابـر ۳۸ متر مکعب در ثانیه و میزان آورد سالانه‌ی آن حدود ۲/۱ میلیارد مترمکعب برآورد شده اسـت. در محل ایستگاه، جریان هریرود دایمی نبوده و به اواخر زمستان وفصل بهار محدود می‌شود. بر اسـاس

آمارهای سی و هشت ساله کشور شوروی سابق، آب سالانه‌ی هریرود به طور متوسط حدود هزار میلیون متر مکعب گزارش شده است. همچنین دبی رودخانه در فصل پر آبی ٦٠/٨٤ متر مکعب در ثانیه و در سال کم آبی ۵/۷ متر مکعب در ثانیه اندازه گیری شده است. این رودخانه دارای طغیان های شدید بهاره بوده و عمده جریان آب سالانه‌ی آن در ماههای اول فصل بهار است، که تقریباً هفتاد درصد کل جریان سالانه را تشکیل می دهد. دبی این رودخانه در این ماهها به صد تا صد و بیست متر مکعب در ثانیه و در برخی سال‌ها در طغیان های شدید بهاره به سیصد تا سیصد و پنجاه متر مکعب در ثانیه نیز رسیده است(فدایی، ١٣٨٤: ٢٤-٥). به طور کلی چهل و دو درصد حوضه‌ی آبریز این رودخانه در خاک افغانستان، سی و هشت درصد در خاک ایران و بیست درصد حوضه‌ی آبریز در کشور ترکمنستان واقع شده است ومحدوده‌ی جغرافیای سیاسی آن شمال غربی افغانستان، شمال شرقی ایران وجنوب شرق ترکمنستان می باشد. نقشه‌ی شماره‌ی ۱ حوضه‌ی آبریز هریرود را در خاک سه کشور نشان می دهد.

جدول ۳: ویژگی‌های حوضه‌ی آبریز هریرود در سه کشور افغانستان، ایران و ترکمنستان

نام کشور	وسعت به کیلومتر مربع	درصد از کل حوضه
افغانستان	۴۹۲۶۴	۴۲
جمهوری اسلامی ایران	۴۴۵۷۳	۳۸
ترکمنستان	۲۳۶۴۰	۲۰
کل	۱۱۷۲۹۷	۱۰۰

۳-۳. روند احداث سد روی هریرود و بهره برداری مشترک از آب‌های مرزی

کمیابی منابع آب، کشورهای مختلف جهان به ویژه کشورهای مناطق خشک و نیمه خشک را به اتخاذ تصمیم ها و سیاست های مختلفی واداشته است که از جمله‌ی این سیاست‌ها

می‌توان به استفاده از آب‌های فسیلی، شیرین کردن آب‌های شور، انتقال حوضه به حوضه‌ی آب، احداث سد های متعدد و بزرگ، تغییر الگوهای تولید و مصرف، و. . اشاره کرد(مختاری. ۱۳۸۷: ۳۷). یکی از راههای مدیریت آب‌های داخلی و همچنین آب‌های مشترک مرزی احداث سد است. وجود بیش از چهل و پنج هزار سد بزرگ (با ارتفاع بیش از پانزده متر) دردست بهره برداری تا سال ۲۰۰۰ در جهان و همچنین بالغ بر چهل و پنج هزار سد بزرگ در دست ساخت یا برنامه ریزی شده نشان‌دهنده‌ی تلاش کشورها برای مدیریت منابع آب می باشد. امروزه روی بیش از نیمی از رودخانه‌های جهان حداقل یک سد بسته شده که با انگیزه تنظیم و مدیریت آب برای شرب، کشاورزی و تولید برق ساخته شده اند و ساخت آنها عمدتاً در قرن بیستم صورت گرفته است(wcd:۲۰۰۰:۱۱). درهمین راستا، دو کشور ایران و شوروی سابق به منظور مدیریت بر آب‌های مشترک مرزی تصمیم به احداث سدی روی رودخانه مرزی هریرود گرفتند، لکن به دلیل وجود موانع مختلف و با وجود گذشت هفتاد سال زمان، کار احداث این سد در دوران حکومت شوروی سابق به سرانجامی نرسید. اما پس از فروپاشی شوروی و استقلال کشور ترکمنستان، دو کشور همسایه با تکیه بر اشتراکات فرهنگی، تمدنی و همچنین منافع اقتصادی مشترک اقدام به احداث سد دوستی روی هریرود و تدوین نظام حقوقی بهره برداری مشترک از آب سد نمودند.

موضوع بهره برداری از رودخانه‌ی مرزی هریرود و احداث سد روی آن، دارای سابقه‌ی نسبتاً طولانی است و در مذاکرات و پروتکل‌های امضا شده بین دو کشور ایران و شوروی و پس از فروپاشی شوروی و استقلال جمهوری‌های آسیای مرکزی با ترکمنستان بارها برآن تصریح شده است. اولین بار در عهدنامه‌ی مودّت بین ایران و روسیه* که در تاریخ هشتم حوت ۱۲۹۹ هجری شمسی (۲٦ فوریه ۱۹۲۱ میلادی) در مسکو به امضا رسید، مقرر شد که دو طرف با حقوق مساوی از رودخانه‌ی اترک و سایر رودخانه ها و آب‌های سر حدی (از جمله هریرود) بهره مند شوند. همچنین برای تنظیم قطعی موضع انتفاع از آب‌های سر حدّی و برای حل کلیه‌ی مسائل متنازع در آن و ارضی، مقرر شد؛ یک کمیسیون مرکّب از نمایندگان ایران و روسیه تعیین شود. (نوازنی، ۱۳٦۹: ۱۵۰)

پس از امضای عهد نامه، کمیسیون مربوط تشکیل و جلسات متعددی برگـزار شـد. پـس از برگزاری این جلسات کمیسیون و برخی بازدیدهای محلـی بـرای اجرایـی شـدن فصـل سـوم عهدنامه‌ی ۱۹۲۱ در ارتباط با استفاده از رودخانه ها و آب‌های سرحدی از هریرود تـا خـزر در تاریخ ۲۰ فوریه سال ۱۹۲٦ میلادی مطابق با اول اسفند ۱۳۰٤ هجری، قراردادی شامل بیست و چهار ماده در شهر عشق آباد بین دو کشور منعقد شد. ماده سوم این قرارداد مربوط به اسـتفاده از آب هریرود است. از آن‌جا که مقدار زیادی از آب هریرود، به ویژه بـه هنگـام طغیـان هـای بهاری هدر می‌رفت و آب موجود جوابگـوی نیـاز هـیچ یـک از طـرفین نبـود، هـر دو کشـور موافقت کردند که روی هریرود و بالاتر از پل خاتون سدی احداث شود که بتواند مـازاد آب را برای استفاده هر دو طرف ذخیره کند؛ بنابراین مقرر شد که تحقیقات فنی لازم از محل به عمـل آید و قرارداد مخصوصی راجع به احداث سد و استفاده از آن و اصول تقسیم آب تنظـیم شـد. مواد اول و دوم قرارداد نیز راجع به نحوه‌ی استفاده از رودخانه‌ی هریرود و سـهم هـر یـک از طرفین بود(فدایی، ۱۳۸٤: ٦۹)

مذاکرات ایجاد سد مشترک روی هریرود برای مدتی مسکوت مانـد، تـا ایـن‌کـه در تـاریخ بیستم مرداد ۱۳۳٦ هجری مطابق با ۱۱ اوت ۱۹۵۷ میلادی، موافقت نامـه ای راجـع بـه تهیـه‌ی طرح های مقدماتی مربوط به استفاده مساوی از قسمت های مـرزی رودخانـه‌ی ارس و اتـرک برای آبیاری و تولید نیروی برق مشتمل بر یازده ماده بین دو کشور تنظیم شد. اما از آن‌جـا کـه در این موافقت نامه موضوع استفاده‌ی مشـترک از هریـرود مطـرح نشـده بـود، لـذا در تـاریخ چهاردهم اسفند ۱۳۳٦ مطابق با پنجم مارس ۱۹۵۸ میلادی متمّمی مشتمل بـر دوازده مـاده بـر موافقت‌نامه‌ی مذکور تنظیم نمودند. پس از امضای متمم موافقت‌نامه‌ی بین دو کشـور در سـال ۱۳۳٦ و یک وقفه‌ی حـدوداً یـازده سـاله مجـدداً در سـال ۱۹٦۹ مـیلادی (۱۳٤۸) گروهـی از کارشناسان کشاورزی و اقتصاد آب شـوروی از ایـران بازدیـد کردنـد و بـا کارشناسـان ایـران ملاقات نمودند. در این ملاقات در مورد مسـائل اقتصـادی و فنـی مشـترک بـین دو کشـور در زمینه‌ی کشاورزی و اقتصاد آب گفتگو کردند. در ششـم مـی ۱۹۷۳ کارشناسـان دو طـرف بـر انجام مطالعات احداث سد بر اساس اصل برابـری تأکیـد کردنـد و در بیسـت و چهـارم اکتبـر

۱۹۷۳ تصمیم گرفته شد تا مطالعه و طرّاحی احداث سد مخزنی روی هریرود به طور جدّی پی‌گیری شود. در همان سال برنامه‌ی مطالعه‌ی سدهای انحرافی و مخزنی روی هریرود در مرز مشترک دو کشور، توسط شوروی تهیه و برای اظهار نظر به ایران ارسال شد. پس از بررسی و اظهار نظر ایران سرانجام در بیست و هفتم شهریور ۱۳۵۳(۱۸ سپتامبر ۱۹۷٤ میلادی) قرارداد شماره ۲۱۳۱۵ به منظور اجرای عملیات مطالعاتی و نقشه برداری بین دو کشور امضا شد. این مطالعات در تاریخ بیست و هفتم مهر ماه ۱۳٦۲ (۱۹ اکتبر ۱۹۸۳) مورد تصویب دولت ایران قرار گرفت. نتیجه‌ی این مطالعات احداث یک سد مخزنی و یک بند انحرافی روی هریرود بود. پس از آن مقرر شد، مؤسسه‌ی مذکور مطالعات مرحله‌ی دوم بند انحرافی دولت آباد و نقشه ها و مدارک و اسناد اجرایی آن را بلافاصله شروع کند. همچنین مطالعات تکمیلی احداث سد مخزنی هریرود در محل پل خاتون بالا را به انجام برساند.

اجلاسیه‌ی مشترک کارشناسان دو کشور در تاریخ پنجم و ششم اردیبهشت ماه سال ۱۳٦۲ در منطقه‌ی قزل اترک در خاک شوروی تشکیل شد و در آن مقرر شد درباره‌ی پروژه های رودخانه های اترک و هریرود کارهای تحقیقاتی و مطالعاتی به عمل آید و برای اجرای کارهای تحقیقاتی مشترک روی سدهای دولت آباد و پل خاتون گروه واحد تحقیقاتی از کارشناسان دو کشور تشکیل شود. به منظور بررسی گزارش توجیه فنی و اقتصادی احداث سد انحرافی دولت آباد و همچنین بررسی مطالعات مرحله‌ی اول گزارش، توجیه فنی و اقتصادی سد مخزنی هریرود جلسات مشترک کارشناسان فنی دو کشور در روزهای دوازده و سیزدهم مهرماه ۱۳٦۲ در محل سد گرگان ودر روز هفدهم مهرماه در مشهد تشکیل شد، همچنین در سال ۱۳٦۷ و ۱۳٦۸ نیز مذاکرات و قراردادهایی منعقد شد. اما سرانجام در سال ۱۳۷۰ (۱۹۹۱) تحول سیاسی بزرگی در شوروی به وجود آمد و جمهوری های خود مختار آسیای مرکزی مستقل شدند و کشورهای جدیدی را تشکیل دادند (فدایی، ۱۳۸٤: ٥-۷۳).

با نگاهی به تاریخچه‌ی مذاکرات بسیار طولانی(حدود هفتاد سال) ایران وشوروی برای احداث سد روی رودهای مرزی و از جمله هریرود، متوجه این نکته می‌شویم که به نظر می-رسد به دلیل وجود موانع مختلف اراده جدّی مشترکی برای احداث سد و بهره برداری از آب-

های مرزی بین دو کشور وجود نداشته است. شاید فضای دوران جنگ سـرد و رقابـت دو ابـر قدرت را بتوانیم یکی از موانع جدّی در این زمینه قلمداد کنیم، چرا که در آن دوران ایران یکی از متحدین اصلی غرب در منطقه به شمار می رفت. حال آن‌کـه پـس از فروپاشـی شـوروی و استقلال ترکمنستان، اراده دو کشور دوست و همسایه بر پیگیری و اتمام این طرح هفتـاد سـاله قرار گرفت و با توجه به منافع و دیدگاههای مشترک بین دو کشور، طرح احداث سد و تدوین نظام حقوقی بهره برداری مشترک از آب سد به سرعت پیگیری و سد یک سال زودتر از موعـد مقرر مورد بهره برداری قرار گرفت.

با فروپاشی کشورشوروی و استقلال کشور ترکمنستان در سـال ۱۳۷۰ (۱۹۹۱. م) مـذاکرات ایران با کشور تازه استقلال یافته راجع به هریرود ادامه یافت. درماده نهـم تفـاهم نامـه‌ی دهـم اکتبر ۱۹۹۱، طرفین برای همکاری در احداث سدهای پل خاتون دولت آباد به توافـق رسـیدند. سرانجام پس از مذاکرات مختلفی که بین کارشناسان ایران و ترکمنستان انجـام شـد، در اواخـر سال ۱۳۷٤طرفین تصمیم گرفتند که مناقصه‌ی اجرای سیستم انحراف آب سد را برگزار نماینـد. پس از برگزاری جلسات مختلف سرانجام کمسیون در اردیبهشت ۱۳۷۵(مـی ۱۹۹٦) مناقصـه‌ی مربوط به انتخاب پیمانکار اصلی را برگزار کـرد. در ایـن مناقصـه شـرکت ژیـان برنـده شـد و انستیتو ترکمن گیپرو و دخوز و شرکت طوس آب، بـه صـورت مشـترک، نقشـه‌هـای اجرایـی سیستم انحراف آب را تهیه کرده و عملیات اجرایی سد آغاز شد. ایـن سـد قـرار بـود دی مـاه ۱۳۸٤ افتتاح شود، اما یک سال زودتر یعنی در دی ماه ۱۳۸۳ آماده‌ی بهره‌برداری شد.

۳-۳-٤. موقعیّت و ویژگی‌های سد دوستی

سد دوستی در مرز مشترک ایران و ترکمنستان روی رودخانه‌ی هریرود احداث شده اسـت. محل سد در حدود صد و هشتاد کیلومتری شرق مشهد، هفتاد و پنج کیلومتری جنوب سرخس واقع شده است. سد دوستی در نقطه‌ی صفر مرزی بین ایران و ترکمنستان قرار دارد. ایـن سـد از نوع خاکی سنگ ریزه ای با هسته‌ی رسی است که ارتفاع آن از پی ۸۷ متر، طـول تـاج ٦۷۰ متر، عرض تاج ۱۵ متر، عرض پاشنه ٤۱٦ متر و تراز نهایی تاج بدون در نظر گرفتن گرده روی

آن ٤٧٨ متر از سطح دریاست، حجم مخزن این سد ۲۵/۱ میلیارد متر مکعب می باشد. سد دوستی دارای مخزنی وسیع و طولانی است که طول مخزن آن ٦/٣٧ کیلومتر، عرض متوسط یک کیلومتر، حجم در تراز نرمال ۱۲۵۰ میلیون متر مکعب می‌باشد. سد دوستی باهزینه‌ی مشترک دو کشور، که معادل ١٦٨میلیون دلاراست، احداث شده و آب آن به طور مساوی بین ایران و ترکمنستان تقسیم خواهد شد. ۱۵۰میلیون مترمکعب از آب سد دوستی برای مصارف شرب شهر مشهد به این شهر منتقل و۲۵۰میلیون مترمکعب دیگر نیز برای آبیاری اراضی دشت سرخس مصرف خواهد شد. مهمترین اهداف و منافع دو کشور از احداث سد دوستی عبارت است از:

۱. ذخیره و تنظیم آب رودخانه‌ی فصلی هریرود و تبدیل آب غیر دایمی به جریانی تنظیم شده به منظور استفاده ازآن در طول سال به میزان ۸۲۰ میلیون متر مکعب؛

۲. تأمین بخشی از آب شرب شهر مشهد به میزان ۱۵۰ میلیون متر مکعب در سال از ٤١٠ میلیون متر مکعب آب سهم ایران (هم اکنون در حال بهره برداری است)؛

۳. تثبیت مرز مشترک ایران و ترکمنستان: با توجه به مرفولوژی اراضی اطراف رودخانه تجن هر ساله در اثر وقوع سیلاب های شدید بخشی از سواحل رودخانه در سمت ایران، که متشکّل از خاک های مرغوب کشاورزی است، شسته و تبخیر می‌شود (عشقی، ۱۳۸۲: ۳۹) و موقعیّت مرز مشترک سیاسی که طیّ پروتکل‌های منعقد بین دو کشور ایران و ترکمنستان منطبق بر خط القعر رودخانه می باشد، به داخل ایران پیشروی کرده و بخشی از خاک ایران را به طور طبیعی به خاک ترکمنستان منضم می‌کند. بنابراین احداث سد و کنترل سیلاب ها در تثبیت مرز مشترک بسیار کارساز است؛

٤. تأمین آب کشاورزی دشت سرخس در ایران و ترکمنستان هر کدام به میزان ۲۵ هزار هکتار؛

۵. مهار سیلاب و جلوگیری از خسارت سیل (کاویانی، ١٣٨٤: ۳۵۰)؛

٦. افزایش اشتغال و ارتقاء شاخص‌های توسعه در مناطق حاشیه‌ی دوسوی مرز.

٤. نتیجه گیری

مسأله‌ی کمبود آب و تشدید تدریجی آن در اثر افزایش مصرف، موجب شده امروزه آب نقش بنیادینی در شکل دهی به روابط سیاسی- اجتماعی ملّت‌ها و جوامع بشری، به ویژه در مناطق خشک جهان، داشته باشد. اگر چه نوع بر هم کنش میان دولت ها در بهره برداری از منابع آب مشترک، طیف گسترده ای از سازگاری و همکاری کامل تا ناسازگاری و جنگ را در بر می‌گیرد، اما باید به این واقعیت تلخ اقرار نمود که نقش و تأثیر آب بر روابط کشورها عمدتاً منفی بوده به گونه‌ای که مرزهای آبی مشترک میان کشورها در بیشتر مواقع محل مناقشه و درگیری میان دولت های ساحلی آن بوده است. تنش بین آمریکا و مکزیک بر سر ریوگراند، منازعه آرژانتین و برزیل بر سر رود پارانا، نزاع بین هند و بنگلادش بر سر رود گنگ، جدال مصر، اتیوژی و سودان بر سر نیل، کشمکش چک، اسلواکی و مجارستان بر سر دانوب، نزاع اردن و سوریه بر سر رودخانه یرموک، از جمله‌ی این موارد است.

در مقابل در برخی مناطق جهان منابع آبی مشترک نظیر رودها، به عنوان عامل پیوند دهنده ملت ها و دولت ها عمل نموده است. به گونه‌ای که کشورهای ذی نفع به جای درگیری و منازعه، که مانع جدّی هر نوع توسعه به شمار می رود، مسیر همکاری و همگرایی را در پیش-گرفته و با احداث تأسیسات مختلف همچون سد به مدیریت بر منابع آبی مشترک پرداخته و گام‌های مهمی را در توسعه‌ی منطقه برداشته‌اند. به طور قطع، اولین شرط چنین همکاری‌هایی وجود اراده‌ی سیاسی بین دو کشور است. البته عوامل و زمینه‌های مشترک جغرافیایی، سیاسی، اقتصادی و فرهنگی از جمله عواملی‌اند که زیر ساخت‌های همگرایی منطقه‌ای را تشکیل داده و در پرتو آنها می‌توان به سیاست‌های مشترکی مبتنی بر منافع ملّت‌ها در تمامی عرصه ها دست یافت.

جمهوری اسلامی ایران و ترکمنستان دارای عوامل و زمینه های مشترکی چون پیوندهای تاریخی، اشتراکات فرهنگی، مرز مشترک جغرافیایی، پتانسیل‌های اقتصادی، سیاسی، ملاحظات امنیتی و... هستند که می تواند زمینه ساز همکاری‌های گسترده بین دو کشور باشد. از همین

روست که از زمان استقلال ترکمنستان تاکنون، دو کشور در مقاطع زمانی مختلف و علی‌رغم برخی فراز و فرودها، روابط و تعاملات خوبی با یکدیگر داشته اند. همکاری گسترده دو کشور در زمینه‌های مختلف از جمله حمل و نقل، انتقال برق و گاز، پروژه سوآپ نفت، امور ساختمانی، ساخت نیروگاه‌های برق آبی، سیستم‌های آبیاری، سدسازی، ایجاد زیرساخت‌های خطوط جاده‌ای و ریلی، همکاری های علمی و تحقیقاتی و... از مهم‌ترین زمینه‌ها و مصادیق همگرایی به ویژه در حوزه‌ی اقتصادی بین ایران و ترکمنستان به شمار می رود. در این میان، تصمیم دو کشور ایران و ترکمنستان در زمینه‌ی احداث سد دوستی روی رودخانه‌ی مرزی هریرود و تدوین نظام حقوقی بهر برداری مشترک، نمادی از همکاری و تعامل مناسب دو کشور و یکی از نمونه های مثبت نقش منابع آبی مشترک در همکاری و پیوند بین ملّت‌ها به شمار می‌رود. بی تردید، عوامل و زمینه‌های مشترک جغرافیایی، سیاسی، اقتصادی و فرهنگی نقش مهمی در پیوند و همگرایی دو ملّت و دولت ایران و ترکمنستان داشته‌اند، و در واقع پروژه سد دوستی روی این زمینه های مشترک بنا شده است.

توضیحات

* این عهد نامه در تاریخ ۱۱ دسامبر ۱۹۲۱ م. به تصویب مجلس ایران و در تاریخ ۷ ژوئن ۱۹۲۲ تحت شماره ۲٦۸ به ثبت دبیر خانه جامعه ملل رسید و قابل استناد در کلیه مجامع بین المللی می‌باشد.

منابع و مآخذ:

۱. آرمین و زهرا محمودی، (۱۳۸۹)، ***تحلیل امکان سنجی همگرایی ایران و کشورهای آسیای مرکزی بر اساس تئوری «کانتوری و اشپیگل»***؛ مجموعه مقالات دومین همایش بازنگری روابط ایران و کشورهای آسیای مرکزی.

۲. افضلی، رسول و مصطفی محمد جانی، (۱۳۸۸)، ***"همگرایی و و اگرایی سیاسی در حوزه کاسپین و حوزه های پیرامونی آن"***، فصلنامه‌ی مطالعات سیاسی، شماره ۳.

۳. امیر احمدیان، بهرام. (۱۳۸۲). ***«میزگرد آسیای مرکزی: همکاری‌های منطقه‌ای در نظم استراتژیک نوین»***. فصلنامه مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز. ش ٤٤.

٤. بای، یار محمد (۱۳۸٤)، ***هیدروپلیتیک رودهای مرزی***، تهران، انتشارات ابرار معاصر ایران.

۵. حافظ نیا، محمد رضا، (۱۳۸۵): ***اصول و مفاهیم ژئوپلیتیک***، مشهد انتشارات پاپلی.

٦. ___________ و کاویانی راد، مراد، (۱۳۸۳)، ***افق های جدید در جغرافیای سیاسی***، تهران، سمت.

۷. زرقانی، سید هادی، (۱۳۸٦)، ***مقدمه ای بر شناخت مرزهای بین المللی***، انتشارات دانشگاه علوم انتظامی.

۸. شمسا، برات، (۱۳۸۹)، ***درآمدی بر مناسبات جمهوری اسلامی ایران و ترکمنستان***، دو ماهنامه تحولات ایران و اورسیا، شماره ۲۸، اردیبهشت ۱۳۸۹.

۹. شوتار، سوفی، (۱۳۸٦)، ***شناخت و درک مفاهیم جغرافیای سیاسی***، انتشارات سمت.

۱۰. شیخ حسنی کامبیز، (۱۳۷۵)، ***اکو یک دیدگاه منطقه ای***، تهران، مؤسسه‌ی چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه.

۱۱. عشقی، ابولفضل، (۱۳۸۲)، ***نقش عوامل مورفودینامیکی هریرود و عملکرد فرسایش انسانی در تغییرات خط مرز***، در شمال شرق کشور، سپهر، تهران، نشریه علمی فنی سازملن جغرافیایی نیروهای مسلح.

۱۲. فرانکل، ژوزف. (۱۳۷۱)، ***نظریه‌ی معاصر روابط بین الملل***، ترجمه‌ی وحید بزرگی، تهران: انتشارات اطلاعات.

۱۳. فدایی، سید احمد وچکنگی، علیرضا، (۱۳۸٤)، ***سد دوستی نماد پیوند دو ملت***، شرکت سهامی آب منطقه ای خراسان.

۱٤. کرنر ن(۱۳۷۲)، ***آب، امنیت و خاورمیانه***، ترجمه‌ی: پ ایزدی، پژوهشکده علوم دفاعی و استراتژیک دانشگاه امام حسین.

۱۵. کلار م. (۱۳۸۱)، "***جغرافیای جدید منازعات*** "ترجمه‌ی :د رضایی اسکندری، فصلنامه‌ی سیاست خارجی، ش۱٦.

۱٦. کریمی حسین(۱۳۷۵)، ***ترکمنستان***، دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی وزارت امور خارجه.

۱۷. کاویانی راد، مراد، (۱۳۸٤)، ***مناسبات هیدروپلیتیک ایران و افغانستان***. فصلنامه مطالعات راهبردی. شماره ۱٦.

۱۸. کردوانی، پرویز. (۱۳۸۱)، ***منابع ومسائل آب در ایران***، تهران: سمت.

۱۹. مجتهد زاده، پیروز، (۱۳۸۱)، ***جغرافیای سیاسی و سیاست جغرافیایی***، انتشارات سمت.

۲۰. مختاری، حسین، (۱۳۸۷)، ***هیدروپلیتیک خاورمیانه در افق ۲۰۲۵ میلادی***، فصلنامه‌ی ژئوپلیتیک، سال چهارم، شماره اول.

۲۱. نوازنی، بهرام، (۱۳٦۹)؛ ***عهدنامه مودت ایران و شوروی***، تهران، نشر همراه.

۲۲. نیکخواه، مسلم، (۱۳۸٦). ***عوامل و موانع توسعه روابط ج. ا. ایران و ترکمنستان***، پایان نامه‌ی کارشناسی ارشددانشگاه امام حسین.

۲۳. ولایتی، سعدالله؛(۱۳۸۳)، ***جغرافیای آبها***. انتشارات جهاد دانشگاهی مشهد.

۲٤. ولایتی، علی اکبر؛(۱۳۸۹)، "***تحلیل تجارب همگرایی در جهان اسلام***"، مجله‌ی دانش سیاسی، سال ششم، شماره اول بهار و تابستان.

۲۵. وثوقی، سعید و دیگران؛(۱۳۸۹)، ***همکاری در بخش مبادلات الکتریسیته بین ایران و کشورهای آسیای مرکزی***، مطالعات اوراسیای مرکزی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، سال سوم، شماره ٦، تابستان ۱۳۸۹.

٢٦. Hamner. jesse H(١٩٩٧)pattern in international water resource treaties :Colorado journal of international environmental law and policy.

٢٧. Lazerwitz, D. J (١٩٩٤), The flow of international water law: The international lawcommission's law of the non-navigational uses of international watercourses. Indiana Journal of Global Studies, volume ١, pp. ١-١٦ .

٢٨. Spectorr, Bertram ;(٢٠٠١),Transboundary Disputes :Keeping Backyards Cleam ,Chapter ١١, Maryland :Rowman and Littlefield Publishers ,Inc.

٢٩. Starr. joyce (١٩٩١)water wars. foreigen policy. no. ٨٢).

٣٠. Toset,P,w;(٢٠٠٠),Shared rivers and interstate conflict;Political Geography;Vol. ١٩.

٣١. Un-water thematic initiatives (٢٠٠٧) coping with water security : available in: www. worldwaterday٠٢. org:١٠-١١).